

#### خبر

سرانجام باب دیلن نسبت به جایزه نوبل خود واکنش نشان داد

### من در شگفتم که دقیقا ترانه‌های من چه طور به ادبیات مربوط می شوند

**بخش فرهنگی** – بعد از ماه‌ها حاشیه‌سازی، «باب دیلن» خواننده و ترانه‌سرایِ که جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۷ را از آن خود کرد، سرانجام فایل سخنرانی خود را به آکادمی سوئدی نوبل داد.

به گزارش ایسنا، «نیویورک تایمز» نوشت: «باب دیلن» رست در آخرین روزهایی که ممکن بود جایزه ۹۰۰ هزار دلاری نوبل ادبیات را از دست دهد، بالاخره دست به کار شد و فایل سخنرانی خود را تسلیم آکادمی نوبل کرد.

او طی ماه‌های گذشته با پاسخ ندادن به تماس‌های این آکادمی، سخنان ضد و نقیض درباره حضور یا حضور نداشتن در مراسم دریافت جایزه نوبل و در پایان با غیبت در این مراسم، حواشی بسیاری به پا کرد. آخرین خبرها این بود که او تا دهم ژوئن وقت دارد تا فایل سخنرانی خود را برای اعضای آکادمی بفرستد، و در غیر این صورت، مبلغ ۹۲۴ هزار دلاری که به عنوان جایزه نقدی به او اعطا شده، پس گرفته خواهد شد.

روز گذشته این خواننده و ترانه‌سرای مشهور سخنرانی ۲۷ دقیقه‌ای خود را به آکادمی تحویل داده که بخش‌هایی از آن در روزنامه‌های مختلف منتشر شده است. «سالارا دانیوس» دبیر دائمی آکادمی نوبل، درباره سخنرانی «دیلن» نوشت: سخنرانی او خارق‌العاده و همان‌طور که انتظار می‌رفت، شیواست.

«دیلن» حرف‌هایش را این‌گونه آغاز می‌کند: «من در شگفتم که دقیقا ترانه‌های من چطور به ادبیات مربوط می‌شوند. می‌خواستم درباره این مسئله صحبت کنم و بفهمم که این ارتباط کجاست.»

«باب دیلن» در ادامه سخنرانی‌اش، از «یادی هالی» خواننده و ترانه‌سرای آمریکایی یاد می‌کند و می‌گوید: «اگر بخواهم از شروع همه چیز حرف بزنم، باید از «یادی هالی» بگویم… او کهن‌الگو بود. او همه آن چیزی بود که من نبودم و می‌خواستم باشم.»

این هنرمند سپس به سه شاهکار ادبی که در خلق ترانه‌هایش الهام‌بخش بوده‌اند، اشاره می‌کند. این کتاب‌ها «موبی دیک» (نهنگ سفید) نوشته هرمن ملویل، «اودیسه» شاهکار حماسی «هومر» و «در جبهه غرب خبری نیست» اثری از «اریک ماریا ریمارک» بودند و «دیلن» اذعان می‌کند که تاثیر آن‌ها به سال‌هایی که او کلاس‌های گرامر را می‌گذرانده بر می‌گردد.

برنده نوبل ۲۰۱۷ نقل قول‌های شاعرانه ملویل و روایت دراماتیک رمان «موبی دیک» را ستایش می‌کند و می‌گوید: «این کتاب اثری شگفت‌انگیز است، کتابی مملو از صحنه‌های پرهیجان و دیالوگ‌های دراماتیک. در گذشته پادشاهان روغن نهنگ را استفاده می‌کردند. تاریخ نهنگ‌ها، جمجمه‌خوانی، فلسفه کلاسیک، نظریات شبه علمی و توجه برای تبعیض… همه این‌ها هست و هیچ یک از آن‌ها منطقی به نظر نمی‌رسد. روشنفکر، بی‌فرهنگ، تعقیب مرگ، تعقیب توهمات، وال سفید بزرگ، سفید مثل خرس قطبی، سفید مثل یک سفیدپوست، امپراطور، پری‌ها، تجسم شیطان…» این خواننده سپس می‌گوید که تحت تأثیر غوغای نامفهوم رمان «در جبهه غرب خبری نیست» که به موضوع جنگ جهانی اول پرداخته، قرار گرفته است: «این کتابی است که تو در آن کودکی‌ات راه، ایمانت به جهان معنادار و دغدغه‌ات برای افراد را از دست می‌دهی. تو در یک کابوس گیر می‌کنی. تو خیلی تنهایی، بعد یک گلوله به سرت برخورد می‌کند و تو می‌میری. تو از عرصه به در سدی، منهدم شدی. من این کتاب را کنار گذاشتم و آن را بستم. دیگر هیچ وقت نخواستم زمانی درباره جنگ بخوانم و هرگز هم نخواندم.»

خواننده «هله لویا» بعد از آن به تأثیر اثر بزرگی چون «اودیسه» بر آثار ترانه‌سرایان مهم و برخی از کارهای خودش می‌پردازد و سپس درباره اثر گم‌گشتگی‌ها و اشتباهات «اودیسه» در اثر حماسی «هومر» بیان می‌کند: «الله‌ها و خدایان از من محافظت می‌کنند، اما بعضی از آن‌ها می‌خواهند من را بکشند. «اودیسه» هوبتس را تغییر می‌دهد، او خسته است، به خواب می‌رود و با صدای خنده بیدار می‌شود. او داستانش را برای غریبه‌ها بازگو می‌کند. ۲۰ سال است که سفرش را آغاز کرده، او را به جای دیگری برده‌اند و حالا این‌جا را کرده‌اند. موادی داخل نوشیدنی‌اش ریخته شده، راه سختی است برای پیمودن.» «دیلن» سرانجام حرف‌هایش را با تأثیری که ادبیات بر خودآگاه و ناخودآگاه او گذاشته به پایان می‌برد و می‌گوید که لزوماً نیاز نیست شما تمام یک کتاب شعر یا یک ترانه را بفهمید: «ترانه‌ها مثل ادبیات نیستند. آن‌ها نوشته می‌شوند تا به صورت آواز خوانده شوند نه این‌که روخوانی شوند.» او سپس از شنوندگان سخنرانی‌اش می‌خواهد تا ترانه‌هایش را به نحوی که قرار است شنیده شوند، تجربه کنند.

«دیلن» در پایان اظهار می‌کند: «اگر یک ترانه شما را تکان می‌دهد، همین مهم است. من لزوماً نباید از معنای یک ترانه سردرביاوم. من از همه چیز در ترانه‌هایم نوشته‌ام و قرار نیست درباره معنای کلی آن نگران باشم.»

«باب دیلن» از نگاه بسیاری، تاثیرگذارترین چهره در تاریخ موسیقی آمریکاست. برخی از ترانه‌های او توسط خوانندگان مشهور دوباره‌خوانی شده که از جمله آن‌ها می‌توان به «از فراز برج دیدبانی» که توسط «جیمی هندریکس» اجرا شده است، اشاره کرد. او در پدیدار شدن سبکی در موسیقی به نام «راک بومی» در اواسط دهه ۶۰ بسیار تاثیرگذار بود و به «شکسپیر» هونسلان خود شهرت یافت. «دیلن» در پنج دهه اخیر در موسیقی آمریکا یک پدیده بوده است. این هنرمند اواخر سال گذشته جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۶ را از خود کرد.

## {فرهنگ و هنر }

# گفت و گو با «گوهر خیراندیش»، بانوی هزارچهره سینما

#### فاطمه شهپودست

بیش از ۴۰سال است که پا به دنیای هنر هفتم گذاشته و با مرور کارنامه اش متوجه می شویم دیگر نقش و ژانری نمانده که او تجربه بازی در آن را نداشته باشد. از شمسی پلنگ «اشک ها و لبخنداها» گرفته تا قدسی خانم «میوه ممنوعه» و خانه «مختارنامه» و زعفرون باجی «ستایش» و … .

او با بیش از پنجاه و اندی سینمایی همچنان گوهر سینمای ایران است و با خیراندیشی که در ذات انتخاب هایش وجود دارد، تا کنون سیمرخ های زیادی را از آن خود کرده است.

گوهر خیراندیش فعالیت هنری اش را با گروه تئاتر شیراز از دبیرستان آغاز و بعد از قبولی در دانشگاه تهران در رشته کارگردانی و بازیگری راهی پایتخت شد و از همان سال ها، کم وبیش به نقش آفرینی هایش در تئاتر ادامه داد؛ تا اینکه

گوهر خیراندیش در جشنواره فیلم فجر

پا در تلویزیون و سینما گذاشت. خیراندیش بعد از یک وقفه چهارساله این شب ها با سریال «دیوار به دیوار» بازم در جعبه جادو حاضر شده و علاوه بر این مجموعه، در بخش خنداننده برتر، خندوانه به عنوان داور شرکت دارد.

در گفت و گویی که به بهانه این حضور مجدد داشتیم، او از رنجشی گفت که زمانی به علت سخت گیری های عجیب و غریب در تلویزیون وجود داشت و باعث شد تا وی برای مدتی از این فضا فاصله بگیرد. همچنین بدعهدی ها در حوزه مالی را نیز، از دیگر عوامل این غیبت چندساله عنوان کرد.

♦ **اگر موافق باشید با سریال «دیوار به دیوار» شروع کنیم. شما تقریباً از سه سال پیش و بعد از مجموعه «ما فرشته نیستیم»، دیگر تا امروز در تلویزیون حاضر نشده اید، با توجه به این گزیده کاری که در پرونده انتخاب های شما دیده می شود، چه شد که بعد از این مدت جلو دوربین سامان مقدم رفتید؟**

زمانی که پیشنهاد اولیه مجموعه «دیوار به دیوار» مطرح شد، من آمریکا بودم و دستیار آقای مقدم با من تماس گرفتند و گفتند که آقای مقدم قرار است یک کار ۶۰ قسمتی را با حضور بازیگران سینما و تئاتر شروع کنند. از آنجایی که من تجربه خوبی با سامان مقدم در فیلم «مکس» داشتم، این پیشنهاد را پذیرفتم و به گروه حاضر در «دیوار به دیوار» پیوستم، چون کار با ایشان همیشه برایم لذتبخش بوده و گروه را نیز دوست داشتم. از سوی دیگر من طی چندین فیلم که با علیرضا شمس، دستیار وی کار کرده بودیم بسیار از ایشان راضی بودم و تجربه های خوبی را در کنار وی داشتم، به همین دلیل از همکاری مجدد با این گروه استقبال کردم.

♦ **از نقش «مهری» بگویید. اینکه چه جذابیت های داشت که آن را پذیرفتید؟**

واقعیت این است که ابتدا نقش پوران که خانم تیموریان آن را بازی می کنند، پیشنهاد شد و حتی لباس هایی را متناسب با آن کاراکتر تهیه کردم، اما زمانی که داشتم به ایران بر می گشتم، متوجه شدم قرارداد این نقش را با خانم تیموریان بسته اند. بعد از آن صحبت شد که کاراکتر مهری بیشتر به من می آید. ابتدا این دغدغه را داشتم چه بر سر این خانواده می آید.

با همه اینها ما، در خانواده خلیل زاده از همان قسمت های اول خیلی زود خودمان را پیدا کردیم و من هم با طراحی روی نقش خودم، به عنوان یک زن ساده، خانه دار که با فعالیت در کیتزینگِی که راه انداخته، به خرج خانه کمک می کرد، توانستم با این خانواده ارتباط برقرار کنم. ما با هم واقعا گروه کوچک و باورپذیری را به عنوان یک خانواده به تصویر کشیده ایم.

ما حتی پیش از آغاز ضبط با یکدیگر تمرین می کردیم تا این گروه به خوبی شکل بگیرد و پسر و دختر من به همراه آقای زارعی در این کار نشان دادند که دلهره من واقعاً بیجا بوده و من باید بیشتر از اینها به حرف های سامان مقدم اعتماد می کردم، اما چون همواره دارای وسواس در نقشه‌هایم هستم، ترسم از این بود که در این گروه بار کار روی دوش من باشد، اما بعد متوجه شدم که چقدر خانواده و بچه های من علاوه بر گروه کوچکمان، در دل کار و بقیه گروه نیز جا افتاده اند.

♦ **شما سالهاست که در فیلم ها و مجموعه های گوناگونی حضور داشته اید و علاوه بر اینها در فیلمنامه نویسی هم دستی بر آتش دارید. کمی از بداهه گویی ها و بده و بستان هایی بگویید که در حین این کار با دیگر اعضای گروه داشتید.**

گوهر خیراندیش در جشنواره فیلم فجر

از آنجایی که علاوه بر سامان مقدم، آقای الوند نیز با سبک کاری من آشنا هستند، در زمان تمرین و بازی در کنار آقای خلیل زاده، آرمان و آتوسا هر گاه پیشنهاد در مورد متن می دادم، خوشبختانه آنها می پذیرفتند، مال خود می کردند و با هم تمرین مان را به آقای مقدم نشان می دادیم، ایشان بعضی مواردی که دوست نداشتند حذف و از بعضی دیگر استفاده می کردند.

تقریباً در تمام قسمتهای این اتفاق می افتاد. یکی دیگر از این موارد به غیر از خانواده خلیل زاده، در گفت و گوهای دو نفره بین من و پوران رقم می خورد، در این بخش خیلی از

پاسکاری ها را که به جذابیت متن اضافه می کردند خودمان در دل کار گنجاندیم. مثل وقتی که من برای خواستگاری آتوسا به پوران گفتم که دوست دارم شما به عنوان بزرگتر ما

آنجا باشید و پوران پاسخ می دهد مگر من چند سالم است؟! این اتفاق خیلی جاها رخ داد و با پیشنهاداتی که ارائه می شد و اعتماد موجود، نتیجه آن خوب از آب در می آمد.

♦ **به طور کلی در لوکیشن های محدود به یک فیلمنامه قوی نیاز دارند، در مورد «دیوار به دیوار» هم این موضوع صدق می کند. شما فکر می کنید با وجود این فضای محدود، علاوه بر فیلمنامه، پتانسیل بازیگران حاضر در مجموعه، چقدر به جذابیت کار کمک کرد و تا چه اندازه امکان بهره مندی از این پتانسیل فراهم بود؟**



گوهر خیراندیش در جشنواره فیلم فجر

طبق بازخوردهایی که چه در فضای مجازی و چه حضوری تا امروز دریافت کرده ام، نظرات مثبت فراوانی در مورد کار و فضای آن وجود داشته. حتی در مقطعی که من بین کار به آمریکا رفتم و برگشتم، در سایت ها و فضاهای گوناگون مجازی نوشته بودند که سرال بی اندازه پرمخاطب است. یعنی مشخص می شود که «دیوار به دیوار» به اندازه لازم مخاطبانش را جذب کرده.

حال اگر نویسندگان کار، می توانستند متن را بجای قسمت به قسمت و روزانه قبلاً بنویسند و به ما برسانند؛ شاید آنچه که شما گفتید بهتر میسر می شد و خودمان هم آن را بیشتر دوست می داشتیم. با همه اینها و با توجه به اینکه متن ها روز به روز به دست ما می رسد و دست کم برای تحلیل، تمرین و تغییر زمان کمی داریم اما واقعا می توانم بگویم که با توانمندی همه دوستان در اجرای بازی هایشان و فضایی که آقای سامان مقدم، به همراه دوستان و همکارانشان در کلیت کار ایجاد کرده اند، مجموعه توانسته جذاب درآید.

به طور کلی اگر متن ها را از قبل داشتیم بهتر بود برای اینکه درباره آنها با نویسندگان صحبت می کردیم و بعد از جمع بندی نهایی وارد مرحله اجرا می شدیم، من با این کار بیشتر موافق بودم، الان هم سعی کردیم که در این زمان کوتاه به عقیده مشترکی با گروه برسیم و به همین جهت نتایج خوبی بدست آمده است. این اتفاق تنها بواسطه همکاری با یک گروه همدل رخ می داد، ما در «دیوار به دیوار» گروهی داشتیم که دیگر شاید تکرار نشود. در زمانی که پای من شکسته بود و قرار بود تا به سفر بروم، همه از صبح جمع شدند و تلاش کردند که صحنه ها گرفته شود.

در طول حدود ۵ ماه کاری که تا الان داشتیم یک نفر نیست که در این گروه احساس خستگی و دلزدگی کند و مثلاً بگوید من امروز آمادگی کار ندارم، در واقع می خواهم بگویم که این مجموعه از یک گروه شریف، صبور، دوست داشتنی، کاربلد و یکدست برخوردار است. من این گروه را بی اندازه دوست دارم، از بچه هایی که به دست ما چای می دهند تا بچه های صحنه، لباس، کارگردانی، فیلمبرداری و … . آنها حتی زمانی که برخی از ما بیکار بودیم، بی وقفه کار می کردند و کمتر پیش می آمد که آف داشته باشند.

کمتر گروهی پیدا می شود که همه اعضای آن اینگونه دوستانه و با علاقه سرکار بیایند، این اتفاق واقعا نادر است. من قدر این گروه را می دانم، به همگی احترام می گذارم،

به تک تک اعضا خسته نباشید می گویم و امیدوارم در همه کارهایی که اینگونه وقت کمی دارند، چنین فضایی ایجاد شود.

♦ **و تأثیر چنین فضایی قطعاً در خود کار هم دیده می شود.**

بله، دقیقاً، همدلی موجود باعث دوست داشتنی شدن کار می شود. زمانی که در جامعه ما مصائب و مشکلات گوناگونی چون سیل، آتش سوزی پلاسکو و … که در مقاطع گوناگونی اتفاق افتاده، در کنار دشواری هایی که در زندگی مردم وجود دارد و مرگ و میرهایی که در بخش هنر اتفاق افتاد، لازم است چنین تولیداتی ساخته شوند، تا در این شرایط به مردم روحیه بدهند. شما هم می دانید که چقدر دردناک است که هر روز از خواب بیدار شوید و ببینید که یک بازیگر، خواننده، منتقد و یا یکی از اهالی هنر درگذشته است. همه این غم و اندوه ها که وجود انسان را ناراحت می کند و واقعا لازم است تا به هر نحوی از این التهاب کاسته شود. از سوی دیگر برای آشتی مردم با این رسانه، باید اقداماتی از این دست صورت بگیرد.

مدیران هم در این اوضاع، احوال هوشمندی به خرج داده اند تا با تولیدات مطلوب این آشتی را برقرار کنند و در این مسیر از حضور کارگردانان کاربلدی چون آقای مقدم، فتحی، عیاری، الوند و … بهره مند شده اند. در این شرایط من که رنجیده بودم و قصد داشتم دیگر به خاطر خط قرمزها و بدهی ها در تلویزیون کار نکنم، به جهت تصمیم گیری های اخیرى که رخ داده، ترغیب شدم تا در این کار حاضر شوم. چرا که وقتی برنامه هایی چون «خندوانه»، «دوره‌می»، «پایتخت»ها و … روی آنتن می روند، علاوه بر جذب مردم، مسولیت در برابر مردم بیشتر و کار ما نیز سخت تر می شود. زیرا ما وظیفه داریم که به دلیل هجوم شبکه های خارجی و شرایط تلخی که وجود دارد لبخند روی لبان مردم بیاوریم و فضایی را فراهم کنیم تا لاقال وقتی فردی خسته از زخادهای روزمره به خانه می رسد، باز هم با ناله روبرو نشود و مقداری آسوده باشد.

بیکاری، گرانی، ناامیدی جوانها به آینده نامشخص که معلوم نیست چه می شود و موارد دیگری که وجود دارد، باعث حاکم شدن شرایط سخت و بحرانی بر جامعه شده. هنرمندان ما در این اوضاع باید مسوولانه عمل کنند، به شعور مردم احترام بگذارند و همه سعی کنیم برای این مردم عزیز و صبور جدا از دغدغه ای که دارند، امید را ایجاد کنیم. قرار نیست ما هملت بسازیم و یا رومئو و ژولیت شکسپیر را اجرا کنیم، بلکه می خواهیم همین عشق های امروزی و حرف های اقشار مختلف که در جامعه هستند را بیان کنیم، تا کمی آرامش در دلشان و لبخند بر لب هایشان ایجاد شود.

♦ **در مجموعه «دیوار به دیوار» یک فضای طنز در کنار جدیتی که وجود دارد، دیده می شود، یعنی گاهی داستان جدی است اما موقعیت های طنز در آن دیده می شود، شما فکر می کنید، شیوه بازی افراد حاضر در گروه چقدر به خلق این موقعیت ها کمک کرده است؟**

فکر می کنم تک تک بازیگرانی که در این کار هستند، همه با عقبه هایی که در کارنامه کاریشان دارند، می داند چطور این موقعیت ها را ایجاد کنند و چه کاری را ارائه دهند. بیشتر ما سعی می کنیم در لحظات زندگی عادی که شما می ببینید در خانه مادر حرکتی انجام می دهد و بقیه اعضا نیز مشغول کار دیگری هستند، در این بین گاهی لحظات کمدی می شود ایجاد می شود، ما هم در حین کار بخودی خود همانند زندگی عادی، هم لحظه های کمدی داریم و هم جدی، البته بیشتر اوقات به انتخاب خود ما بر می گردد.

♦ **گاهی اگر حس کنیم که فلان مقطع می تواند کمیک باشد، مثل زمانی که قرار بود خلیل زاده به من بگوید که قرار است برای آتوسا خواستگار بیاید و آن موقع آقای مقدم به او گفت حتی اگر گریه ات گرفت هم ایرادی ندارد، این شرایط می تواند موقعیت طنز ایجاد کند، در بقیه موارد هم اینگونه بود و موقعیت ها و حالات با هم طنز را می ساختند.**

♦ **در این گروه بازیگران جوانی مثل فرزندان خود شما (علی شادمان و یاسمینا باهر) حضور دارند، کمی از این جوانترها و همکاری با آنها بگویید.**

قبل از هر چیزی بگویم که نقش دخترم، آتوسا همیشه من را شگفت زده می کند. او گاهی پیشنهادهاتی می دهد که بسیار جذاب و دوست داشتنی است و واقعا آدم خوشحال می شود که می ببند این بچه ها با پیشنهاد سرکار می آیند. از سوی دیگر علی شادمان هم ویژگی های خاص خودش را دارد.

♦ **کار با بقیه گروه و یا بهتر است بگویم بازیگران باسابقه ای چون رویا تیموریان، چطور بود؟**

من و خانم تیموریان که سالها قبل با یکدیگر کار کرده بودیم، زمانی که پیشنهاداتمان را مطرح می کنیم و آنها را با یکدیگر یکی می کنیم، فکر می کنم که همدلی و یکدستی بین ما شانس بزرگی است که در این کار بیشتر با خانم تیموریان و آقای زارعی به چشم می خورد، چون من بیشتر با این دو در کار همبازی هستم و در دیالوگ هایی که داشتیم، با یکدیگر به یک نظر واحد می رسیدیم. در کل شکرخدا کل گروه همدلی لازم را داشتند و پیشنهادات ارائه شده از سوی هر کدام از دوستان، بعد از تایید نهایی اجرا می شد و برخی از آنها هم طبق صلاحدید، کنار گذاشته می شدند.

## چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶

#### خبر

### توضیحات علیخانی درباره زنده نبودن «ماه عسل»

**بخش فرهنگی**– احسان علیخانی درباره برنامه «ماه عسل» روز گذشته که برخلاف روال معمول به شکل ضبطی روی آنتن رفت، توضیحاتی را ارائه داد.

به گزارش ایسنا، احسان علیخانی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام درباره‌ی حضور مهمان برنامه که به شکل ضبطی به روی آنتن رفت، اینگونه نوشته است:

«قرار ما با خانم نرگس کلیاسی برای حضور در ماه عسل دو قسمت اول روز جمعه بود که برنامه خواهران منصوریان به روی آنتن رفت و پس از آن قرار بود این برنامه روز شنبه به روی آنتن برود اما به دلیل تغییر کنداکتور شبکه و پخش والیبال در روزهای شنبه و یکشنبه برنامه «ماه عسل» کنسل شد. با توجه به اینکه دیگر نمی‌توانستیم بیشتر از این مهمان برنامه را معطل نگه داریم و از طرفی چون ایشان عازم سفر بودند و هم کار داشتند به همین دلیل برنامه را ضبط کردیم که ایشان بتوانند به کارشان برسند.»

نرگس کلیاسی روز گذشته مهمان هشتمین قسمت «ماه عسل» بود.

او ضمن ابراز رضایت و خوشحالی از سانسور نشدن حرف‌هایش در این برنامه و هدیه بعنه مقام معظم رهبری، در صفحه شخصی خود در اینستاگرام این طور نوشت:

تجربه «ماه عسل» یکی از بهترین خاطرات زندگی‌م شد، مرسی از اینکه تمام حرف‌های من به طور کامل پخش شد. متشکرم از مقام معظم رهبری بابت هدیه گرانتقدر و برآورده شدن آرزوم.

### آل پاچینو نقش یک مربی فوتبال را بازی می‌کند

**بخش فرهنگی**– بری لوینسن برای شبکه اچ‌بی‌او فیلمی درباره جو پاترنو را کارگردانی می‌کند که گرفتار یک رسوایی اخلاقی شد.

به گزارش هنرآنلاین، آل پاچینو در فیلم جدید شبکه اچ‌بی‌او به کارگردانی بری لوینسن نقش جو پاترنو، مربی سابق تیم فوتبال آمریکایی دانشگاه پنسیلوانیا را بازی می‌کند.

در خلاصه داستان رسمی فیلم آمده است: جو پاترنو که موفق‌ترین مربی فوتبال دانشگاهی لقب گرفته است، درگیر پرونده رسوایی اخلاقی جری سنداسکی، دستیار خود در تیم فوتبال آمریکایی دانشگاه پنسیلوانیا می‌شود که میراث او را به چالش می‌کشد و او را وادار به روبرو شدن با پرسش‌های قربانیان می‌کند.

به گزارش وریایتی، پاترنو که اغلب با نام «جوپا» به او اشاره می‌شود، از دید خیلی‌ها یکی از بهترین مربی‌های فوتبال دانشگاهی است. او از ۱۹۶۶ مربی تیم فوتبال شیرهای نیتانی دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا بود، اما موقعیت کاری‌اش در ۲۰۱۱ تاگهان به هم ریخت و این زمانی بود که پرده از اقدامات مجرمانه دستیارش، جری سنداسکی برداشته شد. یک گزارش رسمی که در ۲۰۱۲ منتشر شد، حکایت از آن داشت که پاترنو و دیگر مقامات دانشگاه پنسیلوانیا از سوءاستفاده و آزار و اذیت جنسی کودکان توسط سنداسکی باخبر بودند، اما ترجیح دادند بر آن سروش بگذارند.

لوینسن این پروژه را که نامش هنوز اعلام نشده است، کارگردانی خواهد کرد و از طریق شرکت خود لوینسن/ فونتانا آن را تهیه می‌کند. دورا کان، جان سی. ریچاردز و دیوید مکنا فیلمنامه را می‌نویسند. فیلم با همکاری سونی پیکچرز تولیدن تهیه می‌شود.

پاچینو پیش از این در چند پروژه دیگر نیز با شبکه اچ‌بی‌او همکاری کرده است که شامل «تو جک را نمی‌شناسی» درباره جک کوورکیان، «فیل اسپکتور» درباره پرونده جنایی افسانه صنعت موسیقی و سریال کوتاه «فرشتگان در آمریکا» است. لوینسن کارگردان و مدیرتولید «تو جک را نمی‌شناسی» و مدیرتولید «فیل اسپکتور» بود. او و پاچینو در فیلم‌های سینمایی «سگ را بچنبان» و «تحقیر» هم همکاری کردند.

پاچینو برای فیلم‌های «پدروخوانده»، «سریپکو»، «پدروخوانده: قسمت ۲»، «بعد از ظهر نحس»، «... و عدالت برای همه»، «دیک تریسی» و «کلن‌گری گلن راس» نامزد اسکار بود و سال ۱۹۹۳ برای «بوی خوش زن» برنده اسکار بهترین بازیگر مرد شد. لوینسن با فیلم «رین من» (۱۹۸۸) با بازی تام کروز و داستین هافمن به نقش دو برادر که یکی از آنها مبتلا به اوتیسم است، جایزه اسکار بهترین کارگردان را دریافت کرد. این فیلم جوایز بهترین فیلم، بازیگر مرد (هافمن) و فیلمنامه غیراقتباسی را هم برد و تنها فیلمی است که در یک سال هم اسکار بهترین فیلم و هم خرس طلای جشنواره برلین را دریافت کرده است. لوینسن که علاقه زیادی به داستان‌های واقعی دارد، برای فیلم‌های «... و عدالت برای همه»، «رستوران»، «آوالون» و «بازگزی» در مجموع پنج بار دیگر نیز نامزد اسکار بوده است. خیر بازی پاچینو در نقش پاترنو اولین بار در ۲۰۱۳ منتشر شد. آن سال اعلام شد برایان دی پالمو بر مبنای کتاب پرفروش «پاترنو» نوشته جو پوسناتسکی، روزنامه‌نگار ورزشی، فیلم سینمایی «هپی ولی» را با بازی پاچینو می‌سازد.